

فاطمه زهرا (س) از نگاه اهل سنت

سودابه مطاعی

دانشجوی رشته امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان

چکیده

تاریخ همواره شاهد انسان‌های بزرگی بوده است که عطر اندیشه و کردارشان، گستره تاریخ و جغرافیای پس از خود را عطرآگین کرده‌اند؛ و البته وقتی شخصیتی چنین باشد، همگان، حتی کسانی که با اندیشه‌های او موافق نیستند، پیش سترگی گفتار و کردارش کرنش می‌کنند. کوشش این گفتار کوتاه این است که در سیره فاطمه (س) بازکاوی کند؛ اما نه آن‌گونه که شیعیان او را شناخته و شناسانده‌اند. با پرهیز از جایگاه این معصوم نزد شیعیان، در این جستار بر آنیم تا نگاه اهل سنت را درباره این بزرگوار جويا شویم. در اینجا او را به‌منزله یکی از بزرگ‌ترین زنان تاریخ بشر می‌شناسیم؛ زیرا ابعادی از شخصیت فاطمه (س) وجود دارد که دیگران هم نتوانسته‌اند در مقابل بیان آن ابعاد خاموش بنشینند. نگاه مثبت دیگران به ایشان، اگرچه ناپسند باشد؛ اما گام‌های اندیشه ما را در مسیر این داده ایزدی پایدارتر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فاطمه زهرا (س)، اهل سنت، شهادت، اهل بیت

مقدمه

از جمله اموری که وقتی دانشمندان معاصر با آن مواجه می‌شوند با دیدگاه‌های متفاوتی آن را می‌کاوند و تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌دهند، رخدادهای تاریخی گذشته و شخصیت‌هایی است که با امروز فاصله بسیار زیادی دارند. در این میان ممکن است برخی به دلیل کمبود منابع در دسترس و یا به دلیل تحریفات و ابهاماتی که گرد یک پدیده تاریخی به وجود آمده‌اند به اشتباه نظری را ابراز کنند. البته به ندرت کسانی هم هستند که به دلیل گرایش‌های خاص فکری و تحجر و زنگاری که شخصیتشان را فراگرفته است، با علم به حقیقت، از اظهار آن خودداری می‌کنند و نمی‌خواهند که نظر مخالف با دیدگاه خود را مطرح کنند. بر این اساس دست به سانسور و پوشش آن اخبار می‌دهند؛ اما همیشه انسان‌های منصفی در زمره دانشمندان و مورخان وجود دارند که هرگاه به حقیقتی برخوردند، حتی اگر ناسازگار با ایده و گرایش فکری‌شان باشد آن را بیان می‌دارند و ابایی از آن ندارند.

از جمله شخصیت‌هایی که محل تأمل موافقین و مخالفین بسیاری واقع شده است، دختر گرامی رسول اکرم (ص) حضرت فاطمه زهرا (س) است. در این گفتار با پرهیز از بیان هم‌فکران ایشان و کسانی که به عصمت حضرت معتقدند در نظر داریم اندیشه و نگاه دیگران را نسبت به این بانوی گران‌قدر بیابیم. آنچه در این گفتار مهم است:

۱- چهره تاریخی حضرت فاطمه (س) در منابع اهل سنت.

۲- نگاه کلی دانشمندان اهل سنت به حضرت زهراست.

لازم به ذکر است از آنجاکه دانشمندان زیادی درباره حضرت زهرا نقل حدیث کرده و یا در مورد شخصیت، عصمت، کردار و رفتار و ... ایشان بیانی شایسته عنوان کرده‌اند، می‌کوشیم به‌اجمال موارد مهم‌تر را ذکر کرده و آن را در منابع اهل سنت بکاویم.

خلاصه‌ای از زندگانی حضرت فاطمه (س)

حضرت فاطمه زهرا (س) در سال پنجم بعثت در شهر مکه به دنیا آمد. وجود نورانی او قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین از نور عظمت خداوند خلق شده بود و باعث قبولی توبه آدم و حوا گردید. پدرش حضرت محمد (ص) خاتم‌الانبیا و مادرش خدیجه کبری (س) بود.

همسرشان امام علی و فرزندان‌شان لؤلؤ و مرجان قرآن، ادامه‌دهنده نسل کوثر و سید جوانان اهل بهشت و دخترانشان، مانند خود او، مدافع حریم امامت بودند.

الف. جایگاه حضرت در روایات اهل سنت

در منابع تفسیری، روایی، رجالی و تاریخی اهل سنت صدها روایت در شأن و منزلت حضرت فاطمه (س) دیده می‌شود. در اینجا به نمونه‌ای بسیار کوتاه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. وجود حضرت فاطمه (س) قبل از تولد آدم و حوا

دانشمندان اهل سنت، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) از امام حسن عسکری (ع) و او از پدران خود و آن‌ها از جابر بن عبدالله و او از پیامبر (ص) نقل می‌کند که آدم و حوا وقتی در بهشت بودند، نور وجود حضرت زهرا را دیدند و خداوند به آن دو فرمود: نور ایشان دو هزار سال قبل از خلقت شما آفریده شده بود.

۲. ازدواج حضرت فاطمه (س) به امر خداوند

در منابع اهل سنت روایات زیادی، از بزرگانی همچون امام علی (ع)، عبدالله بن مسعود، عمر بن خطاب، بلال بن حمامه، سنان شفعله و انس در این خصوص نقل شده است.

۳. اولاد حضرت فاطمه (س) ذریه پیامبر

او در عالم بشریت تنها کسی است که اولادش، ذریه پیامبر هستند. در روایت عاصم به بهدله آمده است: در مجلسی، حجاج ذریه بودن امام حسین (ع) را برای پیامبر انکار کرد؛ اما یحیی بن یعمر او را ذریه حضرت دانست و پس از تهدید حجاج، برای اثبات آن به آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام استشهاد کرد که خداوند حضرت عیسی را از ذریه آدم معرفی کرده، در حالی که حضرت عیسی پدر نداشت و از طرف مادر خود حضرت مریم به آدم می‌رسد.

۴. حضرت فاطمه (س) پاره تن پیامبر است.

۵. حضرت فاطمه (س) سرور زنان دوجهان (سیده نساء العالمین)

۶. غضب فاطمه (س) غضب خدا و رضای او رضای خدا

پیامبر خدا (ص) فرمود:

یا فاطمه، ان الله يعضب لغضبک و یرضی لرضاک؛ ای فاطمه، بی شک خداوند از غضب تو غضبناک و از رضای تو راضی می‌شود.

۷. حضرت فاطمه (س) مدافع رسالت

در این زمینه روایات مختلفی به‌ویژه در دفاع از پیامبر (ص) در مقابل ابوجهل وجود دارد.

۸. حضرت فاطمه (س) در محشر

در منابع اهل سنت، روایات مختلفی از بزرگان، همچون امام علی (ع)، عایشه، ابوسعید، ابوهریره، ابویوب، سوئد بن عمیر، بریده، ابن عمر و دیگران نقل شده که پیامبر گرامی اسلام فرمود: «اهل محشر به دستور خداوند، چشمان خود را می‌بندند تا حضرت فاطمه (س) از صحرای محشر عبور کند.»

جایگاه شخصیت فاطمه (س) نزد اهل سنت

حضرت زهرا (س) در نزد اهل سنت نیز به‌عنوان سیده نساء العالمین شهرت دارد [۱]. از عایشه نیز نقل است که پیامبر اکرم، فاطمه را بهترین زنان عالم (خیرالنساء) خوانده است. [۲] سیوطی می‌گوید: «ما عقیده داریم برترین زنان عالم، مریم و فاطمه (س) اند» [۳] آلوسی می‌گوید: در حدیث آمده است: «ان الفاطمه البتول افضل نساء المتقدمات و المتاخرات.» [۴] یعنی حضرت فاطمه (بتول) برترین زنان پیشین و پسین است. با این حدیث، افضل بودن فاطمه (س) بر تمام زنان ثابت می‌شود؛ زیرا او روح و روان رسول خدا بود. از این رو بر عایشه نیز برتری داشت. [۵] ابن‌الجنی می‌گوید: «بنا بر قول صحیح‌تر، فاطمه از همه زنان افضل است.» [۶] روایاتی به همین مضمون در صحیح بخاری، صحیح ترمذی، مستدرک الصحیحین، حلیه الاولیاء ابی نعیم، خصائص النسائی، کنز العمال و ... نیز نقل شده است. [۷]

عبیده هروی می‌گوید: «فاطمه را از آن جهت بتول نامیدند زیرا که نظیر و مانندی نداشت.» [۸] زمخشری در تفسیر خود درباره آیه ۱۲ سوره تحریم می‌نویسد: «تنها چهار تن از زنان عالم کامل‌ترین هستند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه

دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (ص)» [۹] این روایت را نجار، مسلم و ترمذی نیز از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند. [۱۰] زمخشری و سیوطی در تفاسیر خود اشاره کرده‌اند که همانگونه که برای حضرت مریم از آسمان غذای آسمانی فرود می‌آمد این مائده آسمانی بر حضرت زهرا نیز فرود آمد و هنگامی که رسول اکرم از او سؤال کرد این غذاها از کجاست، ایشان پاسخ دادند: «...هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» [۱۱] زکریا نیز همین سؤال را از حضرت مریم کرده بود و چنین پاسخ شنیده بود. [۱۲]

سیره عملی فاطمه (س) نزد اهل سنت

درباره عفت ایشان این چنین منقول است که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: مرد کوری اجازه ورود بر فاطمه دختر رسول الله (علیها السلام) خواست. حضرت فاطمه حجاب خود را برگرفت. پیامبر (ص) به او فرمود: چرا در حجاب شدی، او که تو را نمی‌بیند؟ فاطمه (س) گفت: «یا رسولَ الله، إن لم یکن یرانی فأنا أراه و هو یشم الريح»؛ یعنی «ای پیامبر خدا، اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و بوی او را استشمام می‌کند.» رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أشهدُ أنكِ بضعةٌ مِنِّي» [۱۳]؛ حقا که تو پاره تن من هستی. [۱۴]

ابن عبد البر (م. ۴۶۳) مؤلف استیعاب از عایشه نقل کرده است که درباره فاطمه می‌گوید: کسی را ندیدم که راستگو تر از فاطمه باشد، مگر فردی که او را به دنیا آورده است (یعنی پیامبر) [۱۵]. ابونعیم نیز در «حلیه» همین روایت را با سند خویش از عایشه نقل کرده است که هرگز فردی درست‌لهجه‌تر از فاطمه (جز پدرش) ندیدم. [۱۶]

مسلم در صحیح معروف خود که از منابع پر ارزش اهل سنت است می‌گوید: «فاطمه پاره تن پیامبر است. کسی که او را برنجاند پیامبر را رنجانده است و کسی که او را شادان سازد پیامبر را خوشحال کرده است.» [۱۷] این حدیث از عایشه نیز نقل شده و در کتب صحیح مسلم و صحیح بخاری و صحیح ترمذی و غیره نیز نقل شده است. [۱۸]

آیات قرآنی درباره حضرت زهرا (س) از نگاه اهل سنت

سیوطی بیان می‌کند که هنگامی که آیه «و آت ذالقریٰ حقه» [۱۹] نازل شد، پیامبر اکرم (ص) فاطمه را خواند و فدک را به او بخشید. ابن عباس، ذهبی و ابوسعید خدری و الهیثمی نیز این روایت را نقل کرده‌اند. [۲۰]

در برخی از منابع اهل سنت، مانند تفسیر کبیر فخر رازی، الکشاف زمخشری، نیز مانند منابع شیعی منظور از واژه «نساءنا» یعنی «زنانمان» در آیه مربوط به داستان مباحله [۲۱]، حضرت زهرا (س) معرفی شده است. [۲۲] کثیری از دانشمندان و محدثان اهل سنت منظور از اهل بیت پیامبر در آیه تطهیر [۲۳] را علی، فاطمه، حسن و حسین دانسته‌اند. [۲۴]

طبق نقل بسیاری از دانشمندان اسلامی، سوره کوثر در جواب شماتت دشمنان اسلام، همچون عاص بن وائل و همراهانش نازل شده است. چون پسران رسول خدا، قاسم و عبدالله از دنیا رفتند، عاص بن وائل سهمی گفت: نسل او قطع شد و او ابتر و بی عقب است. خداوند متعال در پاسخش این آیه را (ان شائک هو الابتر) نازل کرد که خود عاص بن وائل ابتر و بدون عقب است. [۲۵] توضیح اینکه کوثر از ماده کثرت و دلیل مبالغه کثرت است و معنای آن خیر کثیر است؛ همان خیر کثیری که ادامه‌دهنده نبوت است. پیامبر اکرم (ص) در زمان ازدواج حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س) به همین خیر کثیر اشاره فرمود. آن حضرت خطاب به امام علی (ع) دعا فرمود: «و اخرج منکما الکثیر الطیب. خداوند از شما دو تن، نسل کثیر پاکیزه بیرون آورد.» انس گفت: «والله اخرج منهما الکثیر الطیب» [۲۶] خداوند از آن دو، نسل زیاد و پاکیزه‌ای بیرون آورد.»

فخر رازی در این باره می‌گوید: معنای سوره این است که خداوند به پیامبر نسلی می‌دهد که در طول زمان باقی می‌ماند. بنگر چه تعداد از خانواده وی کشته شدند، در حالی که عالم از فرزندان رسول خدا (ص) سرشار و آکنده است و هیچ کس از خاندان بنی‌امیه نمی‌تواند با وی در این زمینه برابری نماید و نیز دقت کن که چگونه از نسل پیامبر، علمای بزرگواری مانند باقر، صادق، کاظم، رضا و نفس زکیه [۲۷] پدیدار شدند. [۲۸]

سخن معاصرین اهل سنت

اما صرف نظر از آنچه روایات و احادیث اهل سنت بر مناقب و بزرگواری حضرت زهرا و نقش او در تاریخ اسلام و جایگاهش نزد پیامبر دلالت دارند، جای این پرسش وجود دارد دانشمندان اهل سنت چه نگاهی به بانوی بزرگ اسلام دارند؛ اگرچه که ثبت حقایق پیرامون فاطمه در منابع اهل سنت نیز تا حد زیادی این مهم را آشکار می‌سازد.

استاد توفیق ابوعلم یکی از نویسندگان معاصر مصری که زمانی سمت معاونت وزارت دادگستری مصر را به عهده داشته، کتابی با عنوان «فاطمه الزهرا» دارد. او در این کتاب خود می‌نویسد فاطمه دختر رسول خدا مستوجب تکریم است، چرا که پدرش او را تکریم کرده و او را «مام پدر خود» (ام ابیها) خوانده است. او فاطمه را یکی از سازندگان تاریخ اسلام می‌خواند. [۲۹] دکتر فاطمه مرنیسی نیز در کتاب معروف خود با عنوان زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، از محبت خاص پیامبر به حضرت زهرا سخن می‌گوید. [۳۰]

دکتر عایشه بنت الشاطی [۳۱] زینب پژوه مصری درباره مادر حضرت زینب، حضرت فاطمه می‌نویسد: «... خدا برای زهرا اختصاصاتی قائل شد که خواهران سه گانه اش: زینب، رقیه و ام کلثوم نداشتند؛ زیرا با قلم ازلی چنین نوشته شده بود که زهرا به تنهایی نگهدارنده پاک و پاکیزه‌ای برای سلاله پاک و مرغزار خرمی برای روییدن درخت پرشاخ و برگ اهل بیت قرار گیرد.» [۳۲]

و اما این گفتار را با بیان زیبای اقبال لاهوری، دانشمند سنی معاصر به انجام می‌رسانیم. محمد اقبال لاهوری [۳۳] در بخشی رموز بی خودی دیوان خود در مورد اینکه شخصیت حضرت زهرا نمونه کاملی برای زنان جهان است شعر زیر را می‌سراید. او در این شعر ضمن معرفی حضرت به مناقب و بخشش‌های او اشاره می‌کند و فرزندان او را نمونه کاملی می‌داند که جز این مادر نمی‌توانند، تولد یابند. در پایان اقبال می‌گوید اگر سجده بر غیر خدا جایز بود، بر فاطمه سجده می‌کردم:

مریم از یک نسبت عیسی عزیز / از سه نسبت حضرت زهرا عزیز

نور چشم رحمة للعالمین / آن امام اولین و آخرین

آنکه جان در پیکر گیتی دمید / روزگار تازه آئین آفرید

بانوی آن تاجدار «هل آتی» / مرتضی مشکل گشا شیر خدا

پادشاه و کلبه ایوان او / یک حسام و یک زره سامان او

مادر آن مرکز پرگار عشق / مادر آن کاروان سالار عشق

آن یکی شمع شبستان حرم / حافظ جمعیت خیرالامم

تا نشیند آتش پیکار و کین / پشت پا زد بر سر تاج و نگین

وان دگر مولای ابرار جهان / قوت بازوی احرار جهان

در نوای زندگی سوز از حسین / اهل حق حریت آموز از حسین

سیرت فرزندها از امهات/ جوهر صدق و صفا از امهات
مزرع تسلیم را حاصل بتول/ مادران را اسوه کامل بتول
بهر محتاجی دلش آن گونه سوخت/ با یهودی چادر خود را فروخت
نوری و هم آتشی فرمانبرش/ گم رضایش در رضای شوهرش
آن ادب پرورده صبر و رضا/ آسیا گردان و لب قرآن سرا
گریه‌های او ز بالین بی نیاز/ گوهر افشاندی بدامان نماز
اشک او بر چید جبریل از زمین/ همچو شبنم ریخت بر عرش برین
رشته آئین حق زنجیر پاست/ پاس فرمان جناب مصطفی است
ورنه گرد تربتش گردیدی/ سجده‌ها بر خاک او پاشیدی [۳۴]

شهادت فاطمه زهرا (س)

بعضی از اهل سنت معتقدند حضرت زهرا بعد از رحلت پیامبر بیمار شدند و در اثر بیماری از دنیا رفتند. درست است همان طور که خود شما به درستی به این نتیجه رسیدید که در فرهنگ تمامی ملل جهان مصلحان و اولیای الهی از تقدس و اهمیت فوق العاده ای برخوردارند و حتی حفظ حرمت آن بر جان آدمی و حفظ خانواده مهم تر است. البته اگر با نگاه عقلایی بنگریم در واقع نیز هم چنین است با این توضیح که اگر در کنار خطر مالی، خطر جانی ما را تهدید کرد باید مال را سپر بلا قرار دهیم و جان را حفظ کنیم همین طور نزد آزاد اندیشان و اولیای خدا اگر در کنار خطر جانی، آرمان‌ها و عقاید و مقدسات در خطر بود باید از جان گذشت؛ و اگر خطری جامعه را تهدید می‌کند در این مرحله انسان‌های فداکار آمادگی دارند حتی از جان عزیزان خود هزینه کنند. البته با میل و رغبت خودشان و بدون هرگونه اجبار چنانکه یکی از برادران امام حسین (ع) بنام محمد حنیفه با ایشان همراهی نکرد ولی برادر دیگر ایشان بنام عباس بن علی همراهی کرد. البته این تحمل خطر با اصالت خانواده هیچ گونه منافات ندارد بلکه دوشادوش قرار گرفتن امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) در نهایت علاقه و محبت بوده و بیانگر نقش مثبت زنان در عرصه جامعه است که خود زنان داوطلبانه این مسؤولیت را به عهده گرفتند. در این باره توجه به واقعه پشت در با نگاهی نو خالی از فایده نیست.

درباره رفتار و سیره معصومان (ع) از دو زاویه «پیش نگاه» و «پس نگاه» می‌توان به قضاوت نشست. با نگرش «پیش نگاه» امامان علیهم السلام معصوم هستند و «قول، فعل و تقریر» آنان از هر گونه خطا و اشتباه مصون است به‌ویژه در مواردی که به امامت و هدایت جامعه مربوط است. در این گونه موارد تمامی علما نسبت به عصمت امامان (ع) اتفاق نظر دارند. با پایبندی به این اصل اساسی باید به صحت رفتار و سیره امامان (ع) اعتقاد داشت و به مقدار توانایی به دنبال کشف اسرار و دلایل آن باشیم. تا به‌عنوان الگو در زندگی خود به کار بندیم.

با نگرش «پس نگاه» نیز می‌توان، به خردمندی و دوراندیشی امامان (ع) در موضع‌گیریهای آنان پی برد؛ زیرا رفتار و موضع‌گیری امامان، با ملاحظه تأثیرگذاری در طول تاریخ و پیروزی نهایی حق بر باطل است. اگر چه در زمان خودشان این پیروزی اتفاق نیفتد؛ و رنج و سختی فراوانی را در زندگی خود تحمل می‌کنند. با این نگاه صبر و سکوت امام علی (ع)، فریادی رسا بر مظلومیت آن حضرت در طول تاریخ است. سکوت حضرت، زمینه سوء استفاده دشمنان را خشکاند چنان که ابوسفیان حاضر شده بود با امام علی (ع) بیعت کند و بر علیه خلفا اقدام کند! اما امام علی (ع) با آگاهی و دوراندیشی دست رد بر سینه آن بدخواه، مسلمانان زد و در روزی دیگر امام علی (ع) در پاسخ به حضرت فاطمه (س) فرمودند اگر می‌خواهی نام پدرت

رسول الله (ص) هم چنان باقی بماند باید صبر کنیم؛ و در روایت دیگر امام علی (ع) فرمودند: به خدا قسم اگر خطر نابودی دین، بازگشت کفر و پراکندگی مسلمانان در میان نبود، این گونه صبر نمی‌کردم. (ر.ک: بحار، ج ۳۲، ص ۶۱)

این دو نمونه تاریخی و نمونه‌های فراوان دیگر حکایت از آن دارد؛ که حساسیت زمانه اقتضا می‌کرد حتی برای حفظ ظاهر اسلام، اهل بیت (ع) آن چنان صبر کنند و هم چون «خار در چشم و استخوان در گلو» روزگار را بگذرانند.

اما نکته مهم آن است که در کنار این صبر، باید حق و حقیقت در طول تاریخ آشکار بماند و سیاهی ظلم و خیانت برای همگان در طول تاریخ معلوم شود. هنر امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) آن بود؛ که به گونه‌ای رنج و زجر را تحمل کردند که رو سیاهی آن برای ظالمان در طول تاریخ قابل پاک شدن نباشد؛ و وجدان هر انسان منصفی در طول تاریخ به حقانیت اهل بیت را گواهی دهند.

به‌عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت؛ «هرگاه اظهار حق با مظلومیت همراه باشد ماندگاری آن بیشتر خواهد بود و هر چه مظلومیت بیشتر باشد تأثیر آن حق در طول تاریخ پر رنگ‌تر خواهد بود. نقطه اوج تقارن حقانیت و مظلومیت» را در زندگانی اهل بیت به‌ویژه حضرت علی (ع) حضرت فاطمه (س) و امام حسین (ع) می‌توان مشاهده کرد. از این‌رو اگر چه کشاندن امام علی (ع) برای بیعت و محنت‌های حضرت فاطمه (س) در این زمینه از جهت تاریخی و روابط زمینی یک «تحمیل» و ظلم آشکار بود اما از جهت ملکوتی و آسمانی یک «انتخاب» بود. به همین جهت برخی اهل معرفت گفته‌اند؛ علی (ع) را نبردند بلکه خودش رفت اما به گونه‌ای که در طول تاریخ ظلم غاصبان قابل انکار نباشد.»

درباره مظلومیت حضرت زهرا (س) و واقعه «پشت در» باید دانست؛ مردم صدر اسلام، احترام ویژه پیامبر (ص) به دختر خود حضرت زهرا (س) را به طور آشکار دیده و شنیده بودند. هنوز احادیثی مانند فاطمه بعضه منی، من اذاهها فقد اذانی فاطمه پاره تن من است هر کس او را آزار رساند مرا آزار رسانده است. به خاطر داشتند.

از این‌رو هنگامی که می‌خواستند امام علی (ع) را با اجبار برای بیعت به مسجد ببرند حضرت فاطمه (س) پشت درآمد تا آنان به احترام حضرت فاطمه (س) شرم کنند و برگردند.

اتفاقاً کسانی که در جلو جمعیت بودند وقتی فهمیدند حضرت فاطمه (س) پشت در است. دست نگه داشتند و با صدای بلند گفتند فاطمه پشت در است.

اما از آخر جمعیت دستور داده شد «و ان کانت؛ اگر چه او [= فاطمه] باشد.» آن جا بود که آن واقعه جان سوز اتفاق افتاد و دشمنان غاصب انتقام خود را از فدایی ولایت گرفتند. (ر.ک: ابی قتیبه الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۳۰، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲)

ناگفته نماند اگر چه در ظاهر دشمنان، انتقام گرفتند؛ اما «کبودی بدن» و «سرخی خون» مظلومانه حضرت برای همیشه در حافظه تاریخ باقی ماند؛ و برای همه حقیقت جویان حجت بالغه و آشکار شد؛ و با نگاه ملکوتی این یک «انتخاب» از سوی حضرت زهرا (س) بود. تا حقانیت علوی و مظلومیت فاطمی آمیخته گردد و آن مشعل نورانی در طول تاریخ افروخته ماند.

برای نمونه به چند روایت از منابع شیعه و اهل سنت اشاره می‌کنیم:

۱. پس از آن که کار بیعت گرفتن از مردم تمام شد و علی (ع) و عده‌ای بیعت نکردند، به خانه آن حضرت حمله کردند. در را سوزاندند، علی را به زور بیرون آوردند، حضرت فاطمه را تحت فشار در قرار دادند و کار به جایی رسید که محسن او سقط شد. علی را به مسجد بردند ولی بیعت نکرد و آنان گفتند: بیعت نکنی تو را به قتل می‌رسانیم. روزها و ماهها گذشت. آنان تصمیم به قتل علی (ع) گرفتند و قرار گذاشتند که خالد قتل آن حضرت را به عهده بگیرد. اسماء بنت عمیس از این توطئه آگاه شد و

کنیز خود را فرستاد تا آن حضرت را از توطئه آگاه سازد. اصل توطئه چنین بود که وقتی ابوبکر نماز را تمام کرد و سلام گفت، خالد با شمشیر علی (ع) را بکشد ولی وقتی نماز ابوبکر تمام شد گفت: ای خالد آنچه را دستور دادم نکن، (بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸ به نقل از اثبات الوصیة).

اهل سنت نیز در کتابهای کلامی، تاریخی و حدیثی مسأله آتش زدن به در خانه را آورده‌اند. برای نمونه، به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۲- بلاذری می‌گوید: ابوبکر کسی را دنبال علی فرستاد تا بیاید و بیعت کند ولی حضرت علی نیامد. پس از آن عمر بن خطاب در حالی که آتش به همراه داشت، به سوی خانه علی رفت. فاطمه عمر را در در خانه ملاقات کرد و گفت: ای پسر خطاب! آیا می‌خواهی خانه ما را آتش بزنی؟! عمر بن خطاب گفت: بله (انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲، تحقیق محمود الفردوس العظم، دار الیقظة العربیة).

۳- ابن عبد ربّه می‌گوید: آنان که از بیعت سرباز زدند عبارتند از: علی، عباس، زبیر و سعد بن عباد. علی، عباس و زبیر در خانه فاطمه نشستند. ابوبکر عمر را فرستاد تا آن‌ها از خانه فاطمه بیرون بیایند. ابوبکر به عمر گفت: اگر سرباز زدند با آنان بجنگ. عمر به همراه آتش به خانه فاطمه آمد تا خانه را بر سر آنان آتش بزند. فاطمه او را دید و گفت: ای پسر خطاب! آیا آمده‌ای خانه ما را آتش بزنی؟! عمر گفت: بله مگر این که بیعت کنید، (العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲، چاپ مصر، چاپ دوم، تحقیق محمدسعید العرمان، ۱۹۵۳ و ۱۳۷۲).

۴- ابن قتیبه دینوری آورده است: ابوبکر عمر را به سوی کسانی که بیعت نکردند و در خانه علی تحصن کردند، فرستاد. عمر به خانه علی آمد و صدا زد ولی کسی بیرون نیامد. عمر هیزم خواست و گفت: قسم به آنکه جان عمر در دست اوست، یا باید بیرون بیایید و بیعت کنید و یا خانه را بر سر آنانکه در آن هستند آتش می‌زنم. به او گفتند: فاطمه در آن است. عمر گفت: و لو فاطمه در آن باشد. همه بیرون آمدند ولی علی بیرون نیامد. عمر نزد ابوبکر رفت و گفت: آیا نمی‌خواهی از علی که از بیعت سرباز زده بیعت بگیری؟ ابوبکر به قنفذ گفت: برو علی را بیاور. قنفذ آمد و علی به او گفت: چه کار داری؟ قنفذ گفت: خلیفه رسول خدا تو را می‌خواهد. علی به او گفت: زود بر پیامبر دروغ بستید. قنفذ پیام علی را به ابوبکر رساند. ابوبکر گریه طولانی کرد. عمر گفت: علی را رها نکن. ابوبکر به قنفذ گفت: دوباره نزد علی برو و بگو: با خلیفه رسول خدا بیعت کن. علی گفت: سبحان الله، آنچه را که از آن او نیست برای خودش ادعا کرده است. قنفذ پیام علی را به ابوبکر رساند. ابوبکر بازهم بسیار گریه کرد. پس از آن عمر برخاست و گروهی با او همراه شدند و به در خانه فاطمه آمدند. در زدند. وقتی فاطمه صدای آن‌ها را شنید، با صدای بلند فریاد کرد: «یا ابتاه» یا «رسول الله» پس از تو از پسر خطاب و پسر ابی قحافه چه‌ها که نکشیدیم. وقتی که گروه مهاجم گریه فاطمه را شنیدند. در حالی که گریه می‌کردند برگشتند و دلشان به حضرت فاطمه سوخت ولی عمر و عده‌ای ماندند. علی را بیرون آوردند و گفتند بیعت کن. علی گفت: اگر بیعت نکنم چه می‌کنید؟ گفتند: به خدا سوگند گردنت را می‌زنیم، (الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۳۰، تحقیق استاد علی شیری، منشورات رضی).

همانطور که ملاحظه می‌کنید در منابع شیعه، این حادثه به طور کامل ذکر شده است و منابع اهل سنت تنها به آتش آوردن اشاره کرده‌اند. البته از آنان توقع نداریم که این حادثه را به طور کامل ذکر کنند چون این، به زیان آنهاست و آنان تلاش می‌کنند این حادثه ذکر نشود.

از بعضی از منابع شیعه و سنی استفاده می‌شود که حضرت فاطمه (س) در اثر ضربات و لطمه‌ها و فشارهایی که بر آن مخدره وارد شد، شهید شدند؛ اما این که مسبب شهادت چه کسی بوده، اختلاف است؛ بعضی «قنفذرا ذکر کرده و بعضی، جمعیتی که بر خانه آن حضرت هجوم آورده‌اند را سبب قتل می‌دانند.

برای مطالعه بیشتر در این مورد کتابهای زیر را می‌توانید مورد استفاده قرار دهید:
کتاب شیعه:

- ۱- کامل الزیارات ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولیه، ص ۳۳۲
 - ۲- بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۶۱ - ج ۲۹، ۱۹۲ - ج ۳۰، ص ۳۴۸ - ج ۴۳، ص ۱۷۰
 - ۳- الاختصاص شیخ مفید ص ۱۸۲
 - ۴- دلائل الامامه طبری ص ۴۵
 - ۵- وفات الصدیقه الزهر (س) علامه مقدّم ص ۷۸
- کتاب اهل سنت:

- ۱- الملل والنحل الشهرستانی ج ۱، ص ۵۷
 - ۲- مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب ج ۳، ص ۳۵۸ (به نقل از «المعارف» ابن قتیبه)
 - ۳- الامامه والخلافه مقاتل بن عطیه، ص ۱۶۰
 - ۴- انساب الاشراف بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۶
 - ۵- العقد الفرید ابن عبد ربه، ج ۴، ص ۲۵۹
 - ۶- الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷
- اگر می‌خواهید به همه مآخذ و منابع شیعه و سنی آگاهی پیدا کنید به کتاب «مأساة الزهراء» نوشته جناب سید جعفر مرتضی عاملی لبنانی، ج دوم مراجعه کنید. این کتاب درباره موضوع مورد بحث، بسیار مفصل بررسی و بحث کرده است.

فهرست منابع

- [۱] - فاطمه زهرا مستوره آفتاب سرمد، ص ۵۵
- [۲] - فضایل حضرت علی و فاطمه زهرا به روایت عایشه، ص ۶۸
- [۳] - شخصیت حضرت زهرا علیه السلام در قرآن از منظر منابع اهل سنت، ص ۱۱۷
- [۴] - روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۴۹
- [۵] - شخصیت حضرت زهرا علیه السلام در قرآن از منظر منابع اهل سنت، ص ۱۱۷
- [۶] - همان، ص ۱۱۷
- [۷] - فضایل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۷۵
- [۸] - همان، ج ۳، ص ۱۵۲ و نوریه آسمانی، سیرت و سنت فاطمه زهرا (ع)، ص ۵۷
- [۹] - الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۵۷۳ و نوریه آسمانی، سیرت و سنت فاطمه زهرا (ع)، ص ۸۵
- [۱۰] - الفصول المهمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۶۵۹

- [۱۱] - ... این از جانب خداست که خدا به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد. (آل عمران/۳۷)
- [۱۲] - فضایل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۷۵-۱۷۷ و الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۵۸ و الدر المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۲، ص ۲۰
- [۱۳] - مناقب علی بن ابی طالب، ص ۳۸۰-۳۸۱
- [۱۴] - حضرت زهرا و روایت حدیث (در منابع اهل سنت)، ص ۱۹۳-۱۹۴
- [۱۵] - فضایل حضرت علی و فاطمه زهرا به روایت عایشه، ص ۴۵
- [۱۶] - صدیقه طاهره، ص ۱۷۱
- [۱۷] - الفصول المهمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۶۶۴ و صدیقه طاهره، ص ۱۷۲-۱۷۳
- [۱۸] - فضایل حضرت علی و فاطمه زهرا به روایت عایشه، ص ۵۰ و فضایل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۸۰-۱۸۶
- [۱۹] - اسراء/ ۲۶
- [۲۰] - الدر المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۴، ص ۱۷۷، فضایل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۶۳ نوریه آسمانی، سیرت و سنت فاطمه زهرا (ع)، ص ۷۴-۷۵
- [۲۱] - منظور از آیه مباحله این آیه است: فَمَنْ حَاكَمَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: « بیایید پسرانمان و پسرانانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. ») (آل عمران/۶۱)
- [۲۲] - مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۴۷ و الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۰ و محبوبه جاویدان، فاطمه در قرآن از دیدگاه اهل سنت، ص ۳۱-۳۳
- [۲۳] - « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند)، احزاب، ۳۳
- [۲۴] - الدر المنثور فی تفسیر الماثور، ج ۵، ص ۱۹۸؛ اسباب النزول واحدی، ص ۳۶۹-۳۷۰، محبوبه جاویدان، فاطمه در قرآن از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۱۵-۱۱۶ و نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۱۰-۱۱۱
- [۲۵] - شخصیت حضرت زهرا علیه السلام در قرآن از منظر منابع اهل سنت، ص ۱۲۲
- [۲۶] - همان، ص ۱۲۳
- [۲۷] - نفس زکیه محمد بن عبدالله بن حسن است. وی از نوادگان امام حسن مجتبی است که در سال ۱۴۵ هجری به دست منصور دوانقی به شهادت رسید.
- [۲۸] - مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۱۳
- [۲۹] - صدیقه طاهره، ص ۱۷۱-۱۷۲
- [۳۰] - زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، ص ۱۷۹
- [۳۱] - بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان، بانوی مؤلف و محقق مصری در ادبیات عرب و علوم قرآنی. در ۱۳۳۱/۱۹۱۳ م. در دمياط مصر متولد شد. او نزد پدرش که از تربیت یافتگان الازهر بود ادبیات عربی و قرآن آموخت. با وجود مخالفت پدر، تحصیلات غیردینی خود را در مدارس مصر گذراند و در جوانی در مجله النهضه آغاز به نشر شعر و مقاله کرد و مدتی بعد

منتقد ادبی روزنامه الاهرام شد. در ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۶ به دانشکده ادبیات دانشگاه فؤاد اول (دانشگاه قاهره کنونی) وارد شد و برای پنهان کردن هویت خود از پدرش، نام مستعار بنت الشاطی (دختر ساحل) را برگزید. در ۱۳۲۹ ش / ۱۹۵۰ دکتری خود را با گذراندن پایان نامه‌ای درباره ابوالعلاء معری (متوفی ۴۴۹) از همان دانشگاه دریافت کرد. وی سال بعد، مدرّس زبان و ادبیات عرب در دانشگاه عین شمس قاهره شد. پس از بازنشستگی در اواخر دهه چهل شمسی / پایان دهه شصت میلادی، استاد مطالعات عالی قرآنی در دانشگاه قرویین در شهر فاس مراکش گردید و این مقام را تا زمان مرگ در آذر ۱۳۷۷ / دسامبر ۱۹۹۸ حفظ کرد.

[۳۲] - زینب بانوی کربلا، ص ۲۹

[۳۳] - محمد اقبال لاهوری یا علامه اقبال (۳ ذی‌قعدة ۱۲۹۴-۲۰ صفر ۱۳۵۷) شاعر، فیلسوف، سیاست‌مدار و متفکر مسلمان پاکستانی بود که اشعار زیادی نیز به زبان‌های فارسی و اردو سروده‌است. اقبال نخستین کسی بود که ایده یک کشور مستقل را برای مسلمانان هند مطرح کرد که در نهایت منجر به ایجاد کشور پاکستان شد. اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاری‌ها از اعتماد به یونانی‌ها ناشی شده است. از نظر وی از آنجاکه روح قرآن به امور عینی توجه داشت و فلسفه یونانی به امور نظری می‌پرداخت، کوشش مسلمانان برای فهم قرآن از منظر تعالیم یونانی محکوم به شکست است.

[۳۴] - دیوان اقبال لاهوری، ص ۱۸۶-۱۸۷

Fatemeh Zahra (PBUH) from the Point of View of Sunnis

Soodabeh Matai

Student of Educational Affairs, Farhangian University

Abstract

History has always witnessed great human beings who have perfumed the scent of their thoughts and deeds, the scope of history and geography after them. And of course, when such a person is like that, everyone, even those who do not agree with his thoughts, strain at the forefront of his speech and actions. The attempt of this short speech is to review the biography of Fatima (PBUH); But not as the Shiites have known him. By avoiding the position of this infallible among the Shiites, in this article, we seek to seek the view of the Sunnis about this noble man. Here we know her as one of the greatest women in human history. Because there are dimensions of the character of Fatima (PBUH) that others have not been able to sit silently in front of expressing those dimensions. The positive view of others towards them, although disgusting; But it makes our thought steps more stable in the path of this divine data.

Keywords: Fatemeh Zahra (PBUH), Sunnis, Martyrdom, Ahlul Bayt
